



«مردی برای تمام فصول» غروب کرد.



جوان قد بلند، یک قهرمان قرن هفدهمی در دادگاه چارلز شاه دوم در انگلستان بود.

بالاخره او تصمیم نهایی خود را گرفت و تمام دقت خود را به نوشتن اختصاص داد. کشش آندرومدا اولین نوولی بود که او با نام خودش به چاپ رساند.

کرایتون می‌گوید در جستجوی داستانی بوده است که در آن بتواند با اخبار رسانه‌ها گلاویز شود. در همین راستا او صنعت هواپیما را سوژه خوبی برای قصه خود کرد:

«همیشه چنین به نظر می‌رسید که ما تعداد زیادی از مردم را در گوشه و کنار جهان داریم که از پرواز و سوار شدن به هواپیما وحشت دارند. یکی از دلایل مهم این امر نوع مطالب مقالاتی است که رسانه‌ها درباره‌اش می‌نویسند و می‌گویند، اما آنچه که درباره نوشته من اهمیت دارد این است که منبع آن براساس یک ماجرای واقعی است.»

او در نوشته‌هایش خیلی زیاد درباره رسانه‌های جمعی و نوع اخبار می‌گوید، زیرا: «اخبار به نوعی بر همه چیز تسلط دارند. از سوی دیگر منبع اولیه هر آدمی برای کسب اطلاعات همین اخبار رسانه‌هاست. چه قبول کنیم چه نکنیم، اخبار رسانه کارکرد فراوانی برای جامعه دارد. البته شما می‌توانید در این باره بحث کنید که چنین است یا نیست.»

کرایتون اذعان می‌کند که اطمینان چندانی به اخبار رسانه‌ها ندارد. به اعتقاد او بسیاری از اخبار نتیجه شایعاتی است که از این سو و آن سو پخش می‌شود: «در حقیقت، ما مدت زمان طولانی است که با شایعات سردرگریانیم. مطمئناً من می‌توانم این نکته را بگویم که بازار شایعات مثل سوپرمارکتی است که هر خبری را در آن به قیمت روز می‌فروشند. بدون شک فاصله و تفاوت بسیار زیادی بین این نوع ژورنالیسم بازاری و آنچه که زمانی در نیویورک تایمز وجود داشت، وجود دارد. امروزه روز دیگر کمتر خبری را می‌بینیم که واقعا حکم یک خبر را داشته باشد.» □

فرد زینه مان فیلمساز سرشناس و خالق آثاری چون *صلوات‌ظهر* و *از اینجا تا ابدیت* در آخرین روزهای پایانی سال قبل (۱۵ مارس ۱۹۹۷) در لندن به دلیل سکته قلبی درگذشت.

تیم زینه مان پسر فیلمساز که خود تهیه‌کننده سینماست، همان زمان به خبرنگاران گفت پدرش که روز جمعه رخ داد شوک عجیبی به خانواده او وارد کرده است. خانواده‌ای که قرار بود نودمین سالروز تولد او را در ۲۹ آوریل جشن بگیرند.

زینه مان در اتریش به دنیا آمد و سالهای ۱۹۵۳ و ۱۹۶۶ جوایز اسکار را برای فیلمهای *از اینجا تا ابدیت* و *مردی برای تمام فصول* گرفت. او به دلیل خلق آثار کلاسیکی چون *روز شغال*، *جولیا* و *سرگذشت راهبه* از سوی منتقدین سراسر جهان تحسین شده بود. زینه مان جوان گفت پدرش کاراکترهای قائم بر خود و استواری را در فیلمهایش به تماشاگران عرضه می‌کرد. کاراکترهایی که شباهت فراوانی به خود او داشتند: «او شباهت زیادی به کاراکترهای فیلمهای مهم خود همچون *در چینه غرب خبری نیست* و *از اینجا تا ابدیت* داشت. او همیشه از خود شجاعت، افتخار، پایداری و شکیبایی نشان می‌داد. پدرم همیشه آن فیلمی را می‌ساخت که احساس می‌کرد دوست دارد و باید آن را بسازد. این مسئله که آیا این فیلم موفقیت تجاری خواهد داشت یا خیر، برایش اهمیتی نداشت. او در بنیستم فیلمسازی هالیوود یک پدیده متحصرفرد بود. او توانایی خلق هر نوع فیلمی را داشت.»

تیم زینه مان گفت پدرش - که در طول ۳۰ سال گذشته در لندن زندگی می‌کرده است - دو اسکاری را که گرفته بود، از چشم‌ها پنهان کرده بود: «او آدمی بسیار نجیب بود. اسکارهایش را در قفسه‌ای گذاشته بود و همیشه در قفسه بسته بود. او علاقه‌ای به نمایش آنها به دیگران نداشت.»

فرد زینه مان در طول ۴۰ سال فعالیت هنری حدود ۲۰ فیلم بلند سینمایی کارگردانی کرد. او بازیگرانی چون *گری کوپر* و *آدري هپبورن* را در بهترین فیلمها و بازیهای سینمایی‌شان رهبری کرد. او در سال ۱۹۵۰ مارلون براندو را با فیلم *مردان به تماشاگران سینما معرفی کرد*.

سال ۱۹۸۲ پس از کارگردانی فیلم *پنج روز یک تابستان* با بازی *شون کاتری* کار فیلمسازی را متوقف کرد. علت این کار مشکلات جسمانی و بیماری قلبی بود. اما برخی منتقدین گفتند حمله تندی که علیه فیلم صورت گرفت، باعث شد تا او برای ادامه کار دلسرد شود.

زینه مان که در وین به دنیا آمد در جوانی به تمرین ویولون پرداخت، اما زمانی که خود متوجه شد استعدادی در این رشته ندارد، آن را رها کرد. پس از آن رشته حقوق را انتخاب کرد و در این رشته از دانشگاه وین مدرک گرفت. با این حال در سال ۱۹۷۷ شیفته کار فیلم و سینما می‌شود. در همین سال به عنوان یکی از اولین دانشجویان رشته سینما به پاریس رفته و در آنجا در این رشته به تحصیل می‌پردازد. کار خود را در این حرفه با دستکاری فیلمبرداری شروع می‌کند. سال ۱۹۲۹ به هالیوود می‌رود و در فیلم *در چینه غرب خبری نیست* به عنوان دستیار صحنه استخدام می‌شود. کار خود را با تدوین و دستکاری کارگردانی برای فیلمسازی چون *برتولد ورتول*، *رابرت فلاهرتی*، *بازی برکلی* ادامه می‌دهد تا خود در سال ۱۹۳۵ با فیلم *موج* وارد عرصه فیلمسازی می‌شود.

در هالیوود از زینه مان به عنوان *مرد همه فن حریف*، اسم می‌بردند. او همیشه با استانداردهای سطح بالای حرفه‌ای خود همکارانش را به شگفتی وامی‌داشت. او فیلمهای جدی و عمیقی ساخت که ضمن جذب تماشاگران فکوری، با استقبال خوب سینماورهای عادی هم روبرو می‌شد و جزء آثار پرفروش زمان نمایش خود بودند. جز اسکارهایی که خود زینه من دریافت کرد، در مجموع ۵ فیلم او جستجو، *صلوات‌ظهر*، *از اینجا تا ابدیت*، *مردی برای تمام فصول* و *جولیا* بر روی هم ۲۵ اسکار گرفتند. این اسکارها به عوامل مختلف فیلم از جمله بازیگر، تدوینگر، فیلمبردار و ... داده شدند.

جسد فرد زینه مان روز ۲۹ آوریل مصادف با نودمین سالگرد تولدش در لس‌آنجلس دفن شد.

فیلمشناسی:

موج (۱۹۳۵)، آن مادرها باید زندگی کنند (۱۹۳۸)، وقتی آمریکا می‌خوابد (۱۹۳۹)، گذرگاه ممنوع (۱۹۴۱)، *kid glove killer* (۱۹۴۲)، چشم‌ها در خواب (۱۹۴۲)، *هفتمین صلیب* (۱۹۴۴)، آقای جیم کوچولو (۱۹۴۶)، برادرم با اسبها حرف می‌زند (۱۹۴۷)، جستجو (۱۹۴۸)، عمل خشونت (۱۹۴۸)، مردان (۱۹۵۰)، ترزا (۱۹۵۱)، *صلوات‌ظهر* (۱۹۵۲)، عضو عروسی (۱۹۵۳)، از اینجا تا ابدیت (۱۹۵۳)، اوکلاهما (۱۹۵۵)، کلاهی پراز باران (۱۹۵۷)، *مرد پسر و دریا* (تاتمام، ۱۹۵۸)، *سرگذشت راهبه* (۱۹۵۹)، *غروب‌ها* (۱۹۶۰)، *اسب گهر را بنگر* (۱۹۶۴)، *مردی برای تمام فصول* (۱۹۶۶)، *روز شغال* (۱۹۷۳)، *جولیا* (۱۹۷۷)، پنج روز یک تابستان (۱۹۸۲)